

خدا را لمس کنید



موعظه ی اولین یکشنبه ی بعد از کریسمس
برگرفته از: نامه اول یوحنا باب ۱ آیات ۱ الی ۴

در باب آنچه از آغاز بود و ما آن را شنیده و با چشمان خود دیده‌ایم، آنچه بدان نگریم و با دستهای خود لمس کردیم، یعنی کلام حیات: حیات ظاهر شد؛ ما آن را دیده‌ایم و بر آن شهادت می‌دهیم. ما حیات جاویدان را به شما اعلام می‌کنیم، که با پدر بود و بر ما ظاهر شد. ما آنچه را دیده و شنیده‌ایم به شما نیز اعلام می‌کنیم تا شما نیز با ما رفاقت داشته باشید؛

رفاقت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. ما این را به شما می‌نویسیم تا شادی‌مان کامل گردد.

از زمانیکه انسان وارد زمین شد تمایل شدیدی به، به دست آوردن و نگه داشتن خوبی‌ها زیبایی‌ها چیزهای متمایز و شکفت انگیز داشت. مردم حاضر هستند چه کارهایی انجام بدهند تا جوان بمانند؟ آنها حاضر هستند چه کارهایی انجام دهند تا سالم بمانند؟ اما هیچ کس موفق به غلبه بر این عوامل طبیعی نمیشود. همه چیز میگذرد. حتی عشقی که ۲ عاشق نسبت به هم دارند و معتقد هستند که این عشق ابدی است نیز پس از سالیان سال پیر شده و همراه با این اشخاص از بین خواهد رفت. همچنین این اتفاق برای موارد دیگر نیز رخ خواهد داد. یک تجربه ی عالی یک کتاب جالب یک کشف هیجان انگیز. همه چیز تمام خواهد شد همان طور که یک موسیقی کریسمسی آلمانی میگوید: خراب اسباب بازی به شکل گاو است، خراب اسباب بازی به شکل گوسفند است، خراب ترومپت زیبایی اسباب بازی است و اگر همه ی این مسایل به این جور چیزها ختم میشد مشکلی نبود. اما متأسفانه زیر درخت کریسمس چیزهای بیشتری به جز چند تکه اسباب بازی خراب می‌باشد. غم انگیز تر از همه این است که زندگی ما همانند یک کادوی استفاده شده و خراب نیز زیر درخت کریسمس قرار دارد.

وقتی یوحنا در موعظه ی ما از او سخن میگوید که در آغاز او بود و او زندگی هست و بود و حتی او می‌فرماید که ما این هدیه را میتوانیم لمس کنیم و بچشمین بنابرین او میخواهد ما را بسیار ساده آگاه سازد که چه چیزی بیشتر و بهتر از امیدها و آرزوهای ما وجود دارد. این جمله از یوحنا به مانند یک ستاره ی نورانی در تمام تواریخ جهان می‌درخشد و هیچگاه قدرت خود را از دست نخواهد داد. اینگونه کلماتی بودند که هزاران سال باعث نجات جان مسیحیان از آزار و اذیت‌ها شدند. این کلمات هستند که میتوانند مردمان فقیر و کسانی که دیگر امیدی به زندگی نداشتند را از فقر و مرگ نجات داده و امید به زندگی و آینده را به آنان برگردانند. این کلام بود که در کنار چشمه ای در سامرا قلب زن سامری را لرزاند که عیسی مسیح میفرماید: هرکس از این چشمه آب بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. این کلمات امروزه نیز پس از مدت کوتاهی از کریسمس در قلب‌های ما را میزنند ما را بیدار میکنند و آسمان روشن و ابدیت را به ما نشان می‌دهند که برای ما محیا شده است. معجزه ی کریسمس این است که این ابدیت بسیار به ما نزدیک شده است. در اینجا داریم: آن کودک در میان مردمان فقیر و بیچاره بود و همانا او آفریننده ی جهان بود. همان طور که در گهواره بود به عنوان عیسی مسیح ماموریتش را آغاز نمود. از طرفی برای نجات مردم از دوزخ آمده بود و از طرف دیگر بر روی صلیب جان باخت و مرد و حتی

صلیب و وسیله‌ی مرگش را خود به تنهایی به دوش کشید. تمام این مسایل بسیار فشرده در عیسی مسیح وجود داشتند. و دقیقاً در این تجارب ما خود را در زندگی روزمره پیدا خواهیم کرد. اگر من بابت چیزهای فانی که جهان به من میدهد رنج بپریم پدرم عیسی مسیح نیز همراه من رنج خواهد برد. وقتی که من مریض و ناتوان هستم او دست‌های دلسوزانه‌ی خود را به من میدهد. هیچ‌کس نمیتواند این مسایل را به خوبی درک کند الا عیسی مسیح. و هنگامی که آخرین نفس‌های زندگیمان را میکشیم او به ما بسیار نزدیک است و با ما ارتباط دارد و زندگی ابدی را در مقابل چشمان ما ترسیم مینماید. وقتی به سخنان یوحنا توجه میکنیم پیش خود می‌گوییم چگونه کسی میتواند بابت این‌گونه مسایل متعجب شود. ما آنها را با گوش‌های خود شنیدیم با چشمان خود دیدیم و با دست‌های خود احساس نمودیم.

زندگی برایمان روشن شده است زندگی ما از آغاز و تا کنون زندگی ابدی است همراه با خدای پدر. با کلمات یوحنا این را احساس خواهیم کرد که: کسی وجود دارد که خدا را دیده است. توهم نیست رویا نیست... نه خدایی است که خود را نشان داده و از آسمان به زمین آمده است. و نه تنها بر روی زمین بلکه به قدری نزدیک که میتوانم او را بشنوم ببینم لمس کنم و بو کنم. میتوانم با بدن و روح به او ایمان بیاورم. در تمام زندگیم خداوند با من است. اینکه او از آسمان برای ما بر روی زمین آمد کمترین چیزی است که ما انسان‌ها به آن نیاز داریم. دیگر به رویا‌های شبانه نیاز ندارم که به هر طریقی وعده‌ی زندگی جاوید را به من بدهد ولی راهی اشتباه باشد و مرا به هلاکت برساند. احتیاجی ندارد که دیگر وسوسه شوم برای این که بیشتر داشته باشم زیبا تر و قوی تر بشوم و... هیچ‌یک از اینها زندگی ما نیستند. زندگی ما در گهواره قرار دارد. در آنجا خدا در ضعف و تنهایی ما زندگی می‌کند.

آیا میتوانیم بفهمیم که یوحنا با این جمله‌ی شاد خود چه چیزی را میخواهد به ما اعلام نماید؟ ما میتوانیم با او اعتراف کنیم که خدا را دیده‌ام چشیده‌ام و احساس کرده‌ام... بله خداوند عیسی مسیح چه طعمی دارند؟ به نظر میرسد که یوحنا آن را میداند. او در زمانی که عیسی مسیح زندگی می‌کرد مرد و بالا تر از همه زمانی که از مردگان برخاست می‌زیست و با او همراهی می‌نمود. یوحنا میگوید: ما به شما شهادت میدهم. همانطور که یوحنا شهادت میدهد که خدا را در عیسی مسیح می‌شناسد همان طور نیز شهادت میدهد که میتواند به سادگی عیسی مسیح را در بین مردم ترویج دهد. اما این چگونه ممکن است؟ آیا عیسی مسیح نیز به مانند قهرمان‌های داستان‌های تاریخی در بین صفحات کتاب خلاصه نمی‌شود؟ نه زیرا طبق فرموده‌های یوحنا می‌توان پی برد که پیام عیسی مسیح خیلی محترم و پر عظمت تر از قهرمان‌های قصه‌های قدیمی است که ما به خاطر می‌آوریم. چیزی که یوحنا برای ما شهادت می‌دهد در واقع تنها یک یادآوری نیست. و حتی یک روش زندگی نیز نیست که ما مردم او را بنگریم و در صلح همراه با هم زندگی کنیم. نه یوحنا شهادت می‌دهد که خود عیسا مسیح بر ما خواهد آمد. این به این معنی است که همان طور که یوحنا عیسی مسیح را دید شنید بویید و لمس کرد ما نیز او را خواهیم دید شنید بویید و لمس کرد. همان طور که قلبش برای عیسی مسیح آتش گرفت قلب ما نیز آتش خواهد گرفت. بنابراین عیسی مسیحی که قبلاً در قلب وی زندگی می‌نموده در قلب ما نیز زندگی خواهد نمود. ممکن است چشمان ما همیشه دوباره بر روی این معجزه بسته بماند. ممکن است که ما آن را با گوش‌ها و چشم‌هایمان نتوانیم درک کنیم. ممکن است ما به هر طریقی از راهمان منحرف شویم. چقدر خوب است که ما میتوانیم این کلمات را بارها و بارها بشنویم. چقدر خوب است که میتوانیم عیسی مسیح را در مراسم نان و شراب دریافت نماییم. چقدر خوب است اگر ما کریسمس را نه تنها یکبار بلکه پس از انجام این کارها بارها و بارها در سال جشن بگیریم. این رحمت الهی است که خداوند خودش را همچنان به ما نشان میدهد. این لطف خداوند است که مردم چیزهایی را که از او میبینند را به مردمان دیگر منتقل کنند.

کلمات زندگی که در طی صدها سال به ما رسیده اند به ما متصل هستند. در طی این سالها فرهنگ های مختلفی نیز به ما متصل شده اند. جامعه ی ما حتی در آسمان نیز می درخشد. دنیوی اخروی و خدایی هر یک جوامعی دارند که ما در پیش روی خود خواهیم داشت. و چیز خیره کننده این است که: شما اجازه دارید کسی را داشته باشید که خالق آسمان و زمین است. و او اجازه دارد شما را داشته باشد. شما قسمت هایی از یک زندگی واحد هستید. و این بسیار قوی است که ما در تلاطم عشق به خدا تمام سعی مان برای رسیدن به او را بکنیم و در کلامان نلغزیم و بگوییم: ما او را دیدیم شنیدیم لمس نموده و چشیدیم. و نمی توانیم غیر از آن را ترویج دهیم. آمین.